

یارشاطر دستور آن گویش و خصایص و ممیزاتش را در کتابی مستقل و چندین مقاله جداگانه نوشته است. محققان شوروی هم چندین رساله درین باره انتشار داده‌اند.

دکتر محسن ابوالقاسمی

فرهنگ تاریخی زبان آسی (۱)

زبان آسی از زبانهای ایرانی جدید شرقی است که در «جمهوری خود مختار آسی» و «ایالت خود مختار آسی» در کوههای قفقاز رایج است. زبان آسی به دو گویش عمده تکلم می‌شود که یکی «ایرونی» و دیگری «دیگوری» نامیده می‌شود. گویش ایرونی جدیدتر از گویش دیگوری است و اساس زبان ادبی آسی است. اکثریت گویندگان زبان آسی که از یک میلیون کمتراند به گویش ایرونی تکلم می‌کنند.

زبان آسی بازمانده زبان سکایی غربی است. این زبان بسیاری از خصایص ایرانی باستان را حفظ کرده است. زبان آسی، به خلاف دیگر زبانهای ایرانی جدید، از تأثیر زبان فارسی درسی بر کنار مانده است. زبان آسی از نظر دستگاه صوتی و واژگان زیر نفوذ شدید زبانهای رایج در قفقاز قرار گرفته است. در سده‌های اخیر لغات و اصطلاحات زیادی از زبان روسی وارد زبان آسی شده‌اند. زبان آسی اکنون به خطی، که از خط روسی اقتباس شده، نوشته می‌شود. (۲)

زبان آسی از سده نوزدهم میلادی، که ایران شناسان به زبانهای ایرانی جدید توجه نمودند، بیش از دیگر زبانهای ایرانی جدید، غیر از فارسی دری، مورد توجه قرار گرفته است. این زبان اکنون فرهنگ تاریخی کاملی دارد که فارسی دری از داشتن چنان فرهنگی محروم است.

فرهنگ تاریخی زبان آسی را پروفسور آبایف، که خود آس است، تألیف کرده است. این فرهنگ در چهار جلد تألیف شده است. جلد اول: A-K، جلد دوم: L-R، جلد سوم: S-T، جلد چهارم: U-Z، جلد اول فرهنگ در سال ۱۹۵۸ و جلد چهارم

آن در سال ۱۹۸۹ منتشر شده است.

در فرهنگ تاریخی زبان آسی واژه‌ها به خطی، که از خط لاتین اقتباس شده،

آوانویسی شده‌اند. این فرهنگ بر اساس صورتهای ایرونی واژه‌های آسی ترتیب یافته است. در برابر صورتهای ایرونی واژه‌ها، صورتهای دیگوری واژه‌های آسی آورده شده است. پس از ذکر صورتهای ایرونی و دیگوری واژه، معنی یا معنی‌های واژه به روسی داده شده است. پس از آن مآخذ یا مأخذهایی که واژه آسی از آن یا آنها گرفته شده، ذکر گردیده است. پس از ذکر معنی یا معنی‌ها و مآخذ یا مآخذ لغت، ساخت آن از نظر تاریخی بررسی شده است. اگر لغت دخیل بوده، صورت لغت در زبان اصلی اختلاف پیدا کرده، ذکر گردیده است. پس از آن، در صورتی که لغت در خانواده زبانی خود معادل معادل‌هایی داشته، معادل یا معادلها ذکر گردیده است. در صورتی که لغت خود در زبانی که آسی از آن لغت را گرفته، دخیل بوده، به این مطلب هم اشاره شده است. لغات عربی از طریق فارسی و لغات فارسی، اصیل و دخیل از عربی، از طریق زبانهای قفقازی وارد زبان آسی شده‌اند. لغات فارسی اصیل و دخیل از عربی در زبانهای واسطه شرح شده‌اند. اگر لغت آسی اصیل بوده، پس از ذکر معنی یا معنی‌های لغت به روسی و ذکر مآخذ یا مأخذهای آن، ساخت لغت از نظر تاریخی بررسی شده است. صورت ایران باستان لغت، گاه صورت هند و ایرانی و گاه صورت هند و اروپایی آن، ذکر شده و معادل‌های لغت آسی در دیگر زبانهای ایرانی، زبانهای باستانی ایران: اوستائی و مادی و سکایی و فارسی باستان، زبانهای میانه ایران: سغدی و خوارزمی و سکایی و فارسی میانه و پهلوی اشکانی، زبانهای جدید ایران: فارسی دری، کردی، بلوچی و ... در صورت اختلاف معنی با ذکر معنی، ذکر گردیده‌اند.

اکنون که تألیف و چاپ فرهنگ تاریخی زبان آسی پایان یافته نیاز هست که هر چهار جلد آن با اصلاحات لازم تجدید چاپ شود. نیاز هست که یک یا چند جلد به فهرست لغات زبانهای مختلف، که در شرح لغات آسی شاهد آورده شده‌اند، اختصاص یابد.

فرهنگ تاریخی زبان آسی منبع مهمی خواهد بود برای کسانی که بخواهند فرهنگ تاریخی برای زبان فارسی تألیف کنند. بسیاری از واژه‌های فارسی که هم ریشه آنها در زبان آسی وجود داشته، شرح داده شده‌اند.

در زبان آسی *Ūd* به معنی «روح» و *Wad* به معنی «باد» است. پروفیسور آبایف هر دو را از *Vāta* ایرانی باستان می‌داند که به معنی «باد» است. پروفیسور آبایف از زبانهای مختلف لغاتی را ذکر می‌کند که معنی اصلی آنها «باد» بوده و به مجاز به معنی «روح» هم به کار برده شده‌اند. وی از فارسی دری «جان» را ذکر می‌کند و به استناد

«فرهنگ روسی - فارسی» تألیف یا گلو، چاپ تاشکند ۱۹۱۰ (۳) می گوید که «جان» در فارسی دری علاوه بر معنی «روح» به معنی «ریح» هم هست. بهتر بود پروفیسور آبایف به جای مراجعه به فرهنگ یا گلو، که معلوم نیست گفته اش درست باشد، به فرهنگ تاریخی زبان فارسی، از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۷، مراجعه می کرد و می دید که در این فرهنگ، به استناد هدایة المتعلمین فی الطب و ترجمه تفسیر طبری، برای «باد» که هم ریشه با *Wad* و *Ūd* آسی است، علاوه بر معنی اصلی، معنی «روح» هم ذکر گردیده است.

در فارسی میانه ترفانی دو کلمه هست که هر دو «کین» معنی می دهند:

(۵) *Xēn* از اوستایی - *Aēnah* سنسکریت - *énas* به معنی «شرارت» آمده است
 (۶) در ایرانی میانه غربی به آغاز برخی از واژه های، که در ایرانی باستان به مصوت آغاز می شده اند، * اضافه شده است:

اوستایی	فارسی باستان	فارسی میانه زردشتی	فارسی میانه ترفانی	فارسی دری
<i>aēšma</i>	_____	_____	<i>Xesm</i>	خشم
_____	<i>Isti</i>	<i>Xišt</i>	_____	خشت

kēn (۷) از اوستایی - *kaēnā* به معنی «مجازات» (۸). *xēn* به فارسی دری نرسیده و *kēn* در فارسی دری «کین» شده است.

در زبان آسی *xīn* به معنی «حیله» و *Kīnāe* به معنی «کینه» آمده است. پروفیسور آبایف در فرهنگ تاریخی زبان آسی هر دو واژه را بازمانده *kaina* ایرانی باستان، اوستایی - *kaēnā*، می داند. پروفیسور آبایف برای *xīn* شواهدی از زبان آسی آورده است و در باره اختلاف معنی *xīn* آسی با *kaina* ایرانی باستان گفته است که *xīn* آسی با «حیله» عربی، که در زبانهای ترکی و قفقازی رواج فراوان دارد، ملتبس شده است. پروفیسور آبایف *xēn* و *kēn* فارسی میانه را، از *kaina* ایرانی باستان دانسته است (۹).

xēn و *kēn* فارسی میانه، چنان که در بالا نشان داده شد، از دو اصل جداگانه آمده اند، در این که کلمه *Kīnāe* آسی بازمانده *kaina* ایرانی باستان است، از نظر لفظی و معنایی هیچ اشکالی نیست. اگر در ارتباط *kīn* آسی با *kaina* ایرانی باستان، با توجه به شواهدی که در فرهنگ تاریخی زبان آسی ذکر شده، از نظر لفظی اشکالی نیست، از نظر معنایی اشکال هست. التباس *xīn* با «حیله» عربی و هم معنی شدن *xīn* با «حیله» شواهد دیگری می خواهد که پروفیسور آبایف از شواهد دیگر، ذکر کرده است.

در زبان آسی *xūssar* در گویش ابرونی و *xonsar* در گویش دیگوری، به معنی

«جای خورشید»، «جنوب» آمده است. پروفیسور آبایف *xūssar* و *xonsar* آسی را با «خوانسار» (نام شهر) فارسی از یک اصل دانسته و گفته است که جزء نخست کلمه، *xus* و *Xon* «خوان» از- *hūn* || - *hwan* ایرانی باستان، صورتهای دیگر - *hūr* || *hwar*- ایرانی باستان، آمده‌اند و جزء دوم *sar* - و «سار» که ربطی با «سر» به معنی «رأس» ندارند، از - *sker* || *(s)ker* هند و اروپایی آمده‌اند. پروفیسور آبایف *shore* انگلیس را از *sker* || *(s)ker* هند و اروپایی و هم ریشه با «سار» فارسی دانسته است (۱۰).

نام شهر «خوانسار» در معجم البلدان یاقوت حموی (۱۱) به صورت «خانسار» و در نزهةالقلوب حمدالله مستوفی (۱۲) به صورت «خانیسار» ن.ل. «خانسار» آمده است. اگر «خوانسار» یا «خانیسار» کتابت درست و «خوانسار» کتابت نادرست کلمه باشد، که به قیاس با واژه‌هایی چون «خواستن» به وجود آمده، «خانسار» یا «خانیسار» را باید از «خان»، «خانی» به معنی «چشمه» و «سار» مرکب دانست و «خوانسار» = «خانیسار» = «خانسار» فارسی را نامربوط به *xūssar* = *xonsar* آسی به شمار آورد.

xānsār در پهلوی اشکانی ترفانی (۱۳)، *xānīg* در فارسی میانه ترفانی و پهلوی اشکانی ترفانی (۱۳) و *xān* در فارسی میانه زردشتی (۱۴) هر سه به معنی «چشمه» به کار رفته است.

یادداشتها

1- V. I. Abaev, *Istoriko-Etimologicheskij Slovar' Osentinsicogo Yazyka, vol I: A-K vol.II:L-R vol.III: S-t و vol.IV: M-Z*

۲ - برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به کتاب «در باره زبان آسی» از نگارنده، از انتشارات بنیاد فرهنگ ایران ۱۳۴۸.

3-I.D.Yagello, *Persidsko-Russkis Slovar, Tashkent 1910*

۴ - فرهنگ تاریخی زبان آسی ج ۴ ص ۶ و ۳۲

5- *Acta Iranica 9a, p.101*

6- *Chr.Bartholomae, Altiranisches Worterbuch, p.21.*

7- *Acta Iranica 9a, p.54.*

8- *Chr.Bartholomae, p.429.*

۹ - فرهنگ تاریخی زبان آسی ج اول ص ۵۹۶، ج ۴ ص ۲۰۱

- ۱۰- کتاب پیشین ج ۴ ص ۲۵۱
۱۱- معجم البلدان، چاپ بیروت، ج ۲، ۱۹۷۹، ص ۳۴۰
۱۲- نزهة القلوب، چاپ گای لیسترانج، تهران ۱۳۶۲، ص ۲۲۰
13- *Acta Iracica* 9a, p. 99.
۱۴- فرهنگ پهلوی مکنزی ص ۹۴.



محمود نیکویه

ادبیات فارسی

فارسی بر مبنای تألیف استوری ترجمه از انگلیسی وسیله یو. ا. برگل. ترجمه از روسی به وسیله یحیی آرین پور- سیروس ایزدی- کریم کشاورز. تحریر: احمد منزوی- موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران- ۱۳۶۲ (دو جلد)

مجموعه دست نوشته‌های زبان فارسی که در کتابخانه‌های ایران و کشورهای منطقه و هم چنین جهان نگهداری می‌شود، حکایتگر فرهنگ و تمدن دیرینه سرزمین ایران و گویای تلاش پیگیر و راستین مردم این مرز و بوم در استمرار فرهنگ ایرانی است. گذشته از ارزش فرهنگی این مجموعه گرانبها که متضمن فواید ادبی، تاریخی، فلسفی و غیره است دارای ارزشهای هنری ارزنده‌ایست که برخی از آنها را بصورت نسخه‌های منحصر بفرد در آورده است. *مجموعه دست نوشته‌های زبان فارسی* جامع علوم انسانی

تذهیب‌های گرانبها، مینیاتورهای چشم‌نواز، خطاطی خوشنویسان زیر دست، صحافی‌های زیبا از ویژگیهای هنری اینگونه آثار ارزنده به شمار می‌رود.

چاپ و تصحیح انتقادی دست نوشته‌های فارسی از قرن نوزدهم میلادی در خاور زمین و کشورهای همسایه توسط ایران شناسان خارجی آغاز گردیده و تا کنون نیز ادامه دارد. در این مدت آثار بسیاری از متون تاریخی و ادبی و فلسفی زبان فارسی به زیور طبع آراسته شده است.

هم چنین در ایران نیز از اوائل قرن کنونی میلادی نهضت «تصحیح و تحشیه» که به همت شادروان علامه محمد قزوینی شروع شده بود تا کنون ادامه یافته و در این مدت کتابهای زیادی از متون نظم و نثر زبان فارسی توسط دانشمندان ایرانی به چاپ انتقادی